

ادبیات معاصر ایتالیا

کارلو کاسولا

کشف جویس

برگردان م. طاهر نوکنده



سرشناسه: کاسولا، کارلو، ۱۹۱۷-۱۹۸۷ م. Carlo Cassola.
عنوان و نام پدیدآور: کشف جویس / کارلو کاسولا؛ برگردان م. طاهر نوکنده

مشخصات نشر: تهران آوانوشت، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۸۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۹۳-۹-۷

وضعیت فهرست نویسی: براساس فیبا

داداشت: عنوان اصلی: La Visita

موضوع: داستان نویسان ایتالیائی

شناسه اثرزوده: طاهر نوکنده، محسن ۱۳۲۶- مترجم

رده بندی کنگره: ۵۱۳۹۰ ک ۵۱۳۹۰ / PQ۴۸۳۸

رده بندی دیویی: ۸۵۳/۹۱۲

شماره ی کتابشناسی ملی: ۲۶۹۸۱۳۷

کشف جویس

کارلو کاسولا

برگردان م. طاهر نوکنده

حروف نگاری و صفحه آرایی: آوانوشت

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ تا

چاپ دیبا

ناشر: آوانوشت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۸۹۳-۹-۷

چند کلمه دریاره‌ی نویسنده ۹

به خوانندگان ۱۱

فیلم ناممکن ۲۹

کشفِ جویس ۳۹

در ایستگاه راه‌آهن ۴۹

مرد و سگ ۵۵

سرجوخه مولر ۷۱

چند کلمه درباره‌ی نویسنده

کارلو کاسولا^۱ (زما ۱۹۱۷ - مونت کارلو د لوگیا ۱۹۸۷). نخستین تشکّل ادبی اش با الگوئی از دوبلیش‌های جیمز جویس آغاز شد که تأثیر آن را در داستان‌های کوتاه کتاب و دیداره^۲، ۱۹۴۲، به خوبی می‌توان دید. اندکی پس از آن به درونمایه‌های واقعیت‌گرا نه رو آورد. چندتائی از کتاب‌های او عبارتند از: «فانتسترو آناه»، ۱۹۵۲؛ «برش دوره‌نی جنگل»^۳، ۱۹۵۴؛ «خانه‌ی خیابان والادی»^۴، ۱۹۵۶؛ «همخواه بویه»^۵، ۱۹۶۰؛ «برنده‌ی جایزه‌ی ایتالیائی استرگا»؛ «بک قلب بی احساس»^۶، ۱۹۶۱؛ «شکارچی»^۷، ۱۹۶۴؛ «خط آهن محلی»^۸، ۱۹۶۸؛ «مونت مارینو»^۹، ۱۹۷۳؛ «زندگی هنرمند»^{۱۰}، ۱۹۷۹؛ «شورش»^{۱۱}، ۱۹۸۰؛ مجموعه داستان «در دل با سایه‌ها»^{۱۲}، ۱۹۸۲؛ «پدر من»^{۱۳}، ۱۹۸۳؛ «درس تاریخ»^{۱۴}، ۱۹۷۸؛ «قانون تنازع بقا»^{۱۵}، ۱۹۸۲؛ «علیه جنگ افرازاها»^{۱۶}، ۱۹۸۰...

- | | |
|-------------------------|-----------------------------|
| 1. Carlo Cassola. | 2. La visita. |
| 3. Il taglio del bosco. | 4. La casa di via Valadier. |
| 5. La ragazza di Bube. | 6. Un cuore arido. |
| 7. Il cacciatore. | 8. Ferrovia locale. |

در این مجموعه پیشگفتار «به خوانندگان» از مقدمه‌ی کتاب «برش دوره‌ی جنگل» چاپ
اول، سپتامبر ۱۹۶۵، انتشارات «جولیو اینانودی»؛ و «فیلم نامنکن»، «کشف جویس»
و «در ایستگاه راه آهن»، «سرجوخه موآر» از کتاب «دیدار»، نخستین مجموعه
داستان‌های کوتاه نویسنده، انتخاب شده و به قالب زبان فارسی درآمده است.
مجموعه‌ی داستان‌های کوتاه «دیدار»، انتشارات جولیو اینانودی، ویراست دوم، چاپ
۱۹۶۲، در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول با نام «دیدار» دارای نوزده داستان
کوتاه، بخش دوم با نام «در ایستگاه راه آهن»، دارای هفت داستان کوتاه؛ و بخش سوم
«همراهان»، دارای بیست و یک داستان کوتاه. کارلو کاشولا در این چاپ نوشته‌ی
«یک فیلم نامنکن» را، به عنوان پیشگفتار قبل از آغاز داستان‌های این سه بخش آورده؛
قبل از آن هم یادداشت کوتاهی دارد که در آن درباره‌ی این مجموعه در پانزده شانزده
سطر توضیح کوتاهی داده است.

به خوانندگان

من نویسنده‌ی توسکانو به حساب آمده‌ام، چرا که رُمان‌ها و داستان‌هایم بیش و کم در توسکانا^۱ مکان‌بندی شده‌اند، امّا من توسکانو زاده نشده‌ام. شهر زادگاه من رُمانست، و نه تنها کودکی‌ام را، بلکه دوره‌ی بلوغ و ابتدای نوجوانی‌ام را در رُما گذرانده‌ام. و حتّاً نمی‌توانم خودم را از خانواده‌ی توسکانا به حساب بیاورم. فقط مادرم، در واقع، توسکانا^۲ بوده‌است؛ اهل وُل تِراه؛ پدرم اصل و نسب شمالی داشت. خواهر و در برادریم خیلی بزرگ‌تر از من بوده‌اند؛ بنابراین من کمی در موقعیت تک فرزینی خانواده بوده‌ام؛ مجبور بوده‌ام همبازی‌هایم را بیرون از خانه پیدا کنم از قضا این

۱. Toscano: مرز اهل ولایت توسکانا، توسکانیائی.

۲. Toscana: استانی در غرب ایتالیا که مرکز آن فلورانس است. اهل توسکانا.

۳. Roma: پایتخت ایتالیا، مرکز استان لاتزیو.

۴. زنی اهل توسکانا، در اینجا خانواده‌ی اهل توسکانا، توسکانیائی.

۵. Volterra: محلی در ایالت توسکانا.

برایم آسان بود، چرا که ما در حومه‌ی شهر سکونت داشتیم؛ و در فاصله‌ی کمی از خیابان ما محوطه‌ی باز بزرگی بود که پاتوق بچه‌های محله بود؛ اما والدینم با بی‌میلی مرا به آنجا می‌فرستادند، از ترس اینکه بچه‌ی خیابانگردی بار بیایم. این طوری بود که همیشه کارم می‌کشید به ماندن در خانه، یا باغچه‌ی کوچکی که در پشت خانه بود.

به نظر عجیب می‌آمد، به جای اینکه موظف باشم از کارم به عنوان نویسنده حرف بزنم، دارم از این همه دور، برای خودم مَن می‌زنم. اما، در اصل در کودکی است که شخصیت ما شکل می‌گیرد و آینده‌ی ما رقم رده می‌شود. در مورد من، در این باره پیشاپیش اشاره کرده‌ام، کودکی تنهایی بود. اما کودکی غم‌انگیزی نبود؛ چرا که خیلی زود یاد گرفتم لذت‌های تنهایی را بچشم. اول از همه هم لذت خیالبافی.

کتاب‌ها از همان وقتی مجذوبم کردند که هنوز خواندن بلد نبودم. دو رساله‌ی گت و گلفِت جانورشناس جزو اولین کتاب‌هایی بودند که اتفاقی به دست من افتادند؛ یکی اختصاص داشت به پستانداران، دیگری به پرندگان. دو تا کتاب کهنه‌ی قدیمی بودند؛ هنوز هم کاغذ زرد شده و بوی تند کهنه‌گی صفحه‌های آن به یادم مانده است. از روی کتاب پستانداران بود که خواندن را یاد گرفتم. آن چنان ذوق تعیین ردیف‌بندی زیر تصویرها قوی بود که پیش خودم الفبا را یاد گرفتم. بسیاری از آن تصویرها هنوز در حافظه‌ام مصوّر به جا مانده است؛ ویرایم کافی ست که چشم‌هایم را ببندم، تا